

اسرائیل؛ استقلال خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

علی خاطرخواه آناقیز^۱

زهره پوستین چی^{*۲}

چکیده

این پژوهش به دنبال آن است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی جهت آزمون فرضیه و روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری برای گردآوری داده‌ها، و بهره‌برداری از گزاره‌های نظریه واقع‌گرایی تدافعی با تأکید بر موازنه تهدید، دریابد نقش اسرائیل در استقلال‌خواهی کردستان عراق چیست و این عامل چه تاثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ نتایج حاصل، حاکی از آن است که برای اسرائیل حمایت گسترده از تمایلات استقلال‌خواهانه کردستان عراق در چارچوب استراتژی اتحاد پیرامونی بن‌گوریون، همواره اصلی مهم در راهبرد سیاست خارجی این رژیم برای مشروعیت‌بخشی به موجودیت خود، خروج از انزوا در منطقه و تثبیت اتحاد با موجودیتی غیر عرب که هم مرز با ایران بوده است. با توجه به اینکه امنیت ملی ایران تابعی از مجموعه تحولات داخلی و تحرکات حادث در محیط امنیتی پیرامونی آن است، لذا پیشبرد تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق با حمایت اسرائیل، پیامدهای متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و در ابعاد مختلف برای ایران به دنبال خواهد داشت که از مهم‌ترین آن می‌توان به ایجاد مطالبات جدید در میان کردهای ایران، گسترش اختلافات قومی و فرقه‌ای، نگرانی از شکل‌گیری کردستان بزرگ، تشدید اقدام‌های کنترلی اسرائیل بر علیه ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل حضور و نفوذ ایران در منطقه و تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

واژگان کلیدی: اسرائیل، اقلیم کردستان عراق، استقلال خواهی، ایران، امنیت ملی



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل و

هفت، زمستان ۱۴۰۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* z_poustinchi@azad.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۶۷-۳۹

مقدمه

وجود قومیت‌ها و مذاهب متفاوت، یکی از ویژگی‌های کشورهای منطقه غرب آسیا است. رژیم اسرائیل از زمان تشکیل سعی در برقراری روابط با کشورها و اقوام غیر عرب منطقه داشته است که بر مبنای سیاست اتحاد پیرامونی بن گوریون شکل گرفته است. بهره‌بردارای از این فرصت از راه‌کارهای بنیادین اسرائیل در منطقه بوده است. در این استراتژی، اهمیت و جایگاه گُردهای عراق همواره ویژه بوده است. روابط این رژیم و اقلیم کردستان عراق از زمان آژانس یهود به طُرق مختلف تداوم داشته است. از این رو، از زمان تشکیل، با گُردهای عراق در ارتباط بوده و سعی در حمایت، آموزش و تجهیز آنها بر علیه دولت عراق داشته است.

از نگاه دستگاه تبلیغاتی اسرائیل، جمعیت چند میلیونی گُردهای مقیم عراق به عنوان ملتی فاقد کشور، با سابقه طولانی مبارزات استقلال‌خواهانه، قابل احترام و ستایش می‌باشند و اسرائیل این نقش را برای خود قائل است که به عنوان دولتی حامی، گُردها را که یکی از اقلیت‌های بزرگ بدون کشور در خاورمیانه هستند، یاری رساند. در همین راستا این رژیم همواره از تمایلات استقلال‌طلبانه اقلیم کردستان عراق حمایت نموده و در واقع یکی از راه‌کارهای بنیادین این رژیم در منطقه و به ویژه عراق در راستای مشروعیت بخشیدن به موجودیت خود و گسترش عمق استراتژیک، ترغیب و حمایت همه‌جانبه از استقلال کردها بوده است. در مقابل، به نظر می‌رسد اقلیم کردستان عراق نیز با ایجاد روابط سیاسی با رژیم اسرائیل، ضمن تأمین منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود، امیدوار است که با حمایت‌های آمریکا و رژیم اسرائیل، به افکار و آرزوهای استقلال‌طلبانه خود یعنی تشکیل حکومتی مستقل کُرد در شمال عراق جامه عمل بپوشاند. اقدامات حمایتی اسرائیل حین و پس از تحولات مربوط به مسئله همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷، در کنار نحوه تعامل این منطقه خودمختار با دولت‌های منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران و از همه مهم‌تر، تضاد ماهیتی و ایدئولوژیک میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل و اصل نیت تهاجمی این رژیم علیه ایران، می‌تواند پازل اتحاد و ائتلاف‌سازی این رژیم با اقلیم کردستان عراق را بیش از پیش تکمیل و در مقابل، منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به واسطه داشتن

مرز مشترک با اقلیم کردستان عراق به چالش کشانده و تهدیداتی را در عرصه‌های گوناگون، برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. از این‌رو، با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد که نقش اسرائیل در استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران چه می‌باشد؟ در راستای پاسخ به سؤال پژوهش، این فرضیه مطرح می‌گردد که رژیم اسرائیل برای دستیابی به اهداف خود در منطقه غرب آسیا همواره تلاش داشته است تا با حمایت از ایده‌های استقلال‌طلبانه اقلیم کردستان عراق و تشویق آنها به ایجاد دولت مستقل‌گردی، ضمن تثبیت و مشروع‌سازی حضور خود در شمال عراق، کشورهای منطقه از جمله سرسخت‌ترین دشمن خود یعنی ایران را نیز با بحران‌های امنیتی متعدد مواجه سازد و از طریق گسترش عمق استراتژیک خود، امنیت خود را نیز تثبیت نماید.

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی به موازات بهره‌برداری از گزاره‌های نظریه موازنه تهدید استفن والت جهت آزمون فرضیه و روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری جهت گردآوری داده‌ها استفاده گردیده است. از آنجا که امنیت ملی هر کشور مستقیماً بر امنیت ساکنان آن مرز و بوم اثرگذار است، ایران همواره تلاش نموده تا تحركات سیاسی اسرائیل را بیش از پیش شناسایی کند تا با کاهش حداکثری تأثیر این تحركات را در داخل مرزهای ایران و به ویژه بر قومیت‌های کرد ساکن غرب کشور، امنیت ملی را در بالاترین سطح تأمین کند.

۱. ادبیات پژوهش

تعدادی از جدیدترین پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته که بیشترین قرابت موضوعی در خصوص رابطه اسرائیل و اقلیم کردستان عراق و موضوع همه‌پرسی کرد ها داشته است، به صورت اجمالی به شرح ذیل می‌باشد. خداوردی و شیرزاد (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «استقلال اقلیم کردستان در آیین سیاست‌های اسرائیل؛ تحلیلی بر اساس نظریه ساختاربندی گیدنز» به این موضوع اشاره می‌نمایند که رژیم اسرائیل به عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیا به دلیل عدم مشروعیت و عدم شناخته شدن از سوی تعدادی از کشورها به خصوص جمهوری اسلامی ایران، همواره با چالش‌های اساسی فراروی امنیت ملی خود مواجه بوده است. از این‌رو، این رژیم با پیگیری

سیاست اتحاد پیرامونی به دنبال مشروعیت‌بخشی به موجودیت خود می‌باشد و در این میان اتحاد با اقلیم کردستان عراق و حمایت از استقلال‌خواهی این اقلیم، در راستای مشروعیت‌بخشی به موجودیت و مضاعف‌سازی قدرت خود همواره در دستور کار این رژیم بوده است.

بنگیو (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان «یهودیان، اسرائیل و کردها: کشف اسطوره» به بررسی رابطه مثلثی بین یهودیان، اسرائیل و کردها می‌پردازد، تا اسطوره‌هایی را که حول آنها می‌چرخد، مشخص نماید. این مقاله استدلال می‌کند که علی‌رغم رابطه دیرینه میان یهودیان کردستان و همسایگان غیریهودی‌شان، امروزه افسانه‌های «مثبت» و «منفی» بی‌شماری پیرامون روابط یهودیان، اسرائیل و کردها، در پس‌زمینه روابط میان آنها شکوفا شده است. رابطه بین قوم یهود و دولت اسرائیل با کردها در افسانه‌ها پوشانده شده است و بر منحصر به فرد بودن و ماندگاری آنها در طول قرن‌ها تأکید شده است. برای بازگشایی این اسطوره‌ها، قرار دادن آنها در بافت تاریخی آنها مهم است.

سامر (۲۰۲۱) در رساله دکتری خود با عنوان «ژئوپلیتیک کردستان عراق: نقش بازیگران خارجی و داخلی در مسئله کردی»، به این مورد اشاره می‌کند که کردهای عراق از خودمختاری بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در کشورهای همسایه مانند ترکیه، سوریه و ایران برخوردارند. این موقعیت پس از سرکوب طولانی‌مدت صدام حسین، رئیس‌جمهور سابق عراق و حتی پس از سقوط او در سال ۲۰۰۳، با تهدید جنگ‌های فرقه‌ای بین جناح‌های سنی و شیعه یا افراط‌گرایی فزاینده سنی، که منجر به جنگ با داعش شد، به دست آمد. این مقاله ضمن ارائه تحلیلی از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق و بررسی مسائل داخلی این اقلیم، به تحلیل نقش بازیگران داخلی نظیر پژاک و داعش و همچنین نقش دولت‌های ترکیه، سوریه، ایران، عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا در تحولات اقلیم کردستان عراق پرداخته و مواضع این بازیگران را در قبال رفتارندوم استقلال کردها در سال ۲۰۱۷ نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

لیگا (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «عامل اسرائیل» و تلاش کردهای عراقی برای استقلال» به بررسی همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ و دخالت‌های اسرائیل می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش به این مورد اشاره می‌کند که

نتایج همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق اگرچه از نظر قانونی الزام‌آور نیست، ولی دارای پتانسیل واقعی برای دگرگونی عمیق در دولت عراق است زیرا به طور بالقوه می‌تواند منجر به تجزیه عراق امروزی شود. زیرا استان‌های شیعه و سنی نیز می‌توانند ادعای خودمختاری بزرگ‌تری را مطرح کنند. بنابراین، این همه‌پرسی با حمایت‌های اسرائیل می‌تواند در چارچوب فرآیندهای گسترده‌تری قرار گیرد و فشار جدی‌تری بر مرزهای تاریخی کشورهای خاورمیانه وارد نماید. کپرات (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «کردها نه هم‌زاد فلسطین و نه کلون اسرائیل»، ضمن بررسی پیشینه قوم کرد در منطقه به این مورد اشاره می‌کند که کردها، قوم قبیله‌ای باستانی و بومی غرب آسیا هستند. این قوم در حال حاضر بخشی از چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه می‌باشند که هرکدام از این کشورها، کردهای مقیم خود را همچنان از آزادی‌های اساسی محروم می‌کنند، چه رسد به تشکیل دولت-ملت. نتایج حاصل از این پژوهش به این مورد اشاره می‌کند که کردهای عراق هنوز آماده نیستند که خود را به عنوان یک ملت دموکراتیک کارآمد اداره کنند. با این وجود رفراندوم دموکراتیک مسالمت‌آمیز در میان کردهای عراق حتی اعلام استقلال با وجود حمایت گسترده اسرائیل از کردها، اما باعث محاصره شدید تنبیهی با تهدید آشکار مداخله نظامی توسط ترکیه و ایران در مشورت قبلی با دولت بغداد گردید. ضعف پژوهش‌های اشاره شده فوق این است که به موضوع تأثیر استقلال اقلیم کردستان عراق با حمایت گسترده اسرائیل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران یا اشاره‌ای نشده است و یا اینکه بسیار محدود بدان پرداخته شده است. از این رو این پژوهش در نظر دارد ضمن بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های پیشین، با نگاهی عمیق‌تر به موضوع نقش حمایتی اسرائیل در پیشبرد تمایلات استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق به خصوص موضوع همه‌پرسی استقلال این اقلیم در سال ۲۰۱۷ پرداخته و تأثیر این اقدامات و تحولات را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد.

۲. رهیافت نظری: موازنه تهدید استنفان والت

در سال ۱۹۸۷، استنفان والت به عنوان شاگرد کنت والتز، نظریه «موازنه تهدید» را به عنوان یک اصلاح عمده در مقابل «موازنه قدرت» کنت والتز مطرح نمود. (دانلی، ۱۳۹۱: ۵۹) وقایعی مانند فروپاشی شوروی و تبدیل آمریکا به قدرت بلامنزاع

بین‌المللی و نبود یک موازنه جدی در برابر آن، تا پایان قرن بیستم باعث تردید در کارآمدی نظریه موازنه قوا در شرایط جدید شد و از طرف نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مورد انتقاد جدی قرار گرفتند (حاجی یوسفی و ایمانی، ۱۳۹۰: ۷۶). لذا عدم تحقق نظریه موازنه قوا علیه ایالات متحده پس از جنگ سرد، استفن والت از نظریه‌پردازان مکتب واقع‌گرایی تدافعی نئوکلاسیک را به‌سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی، از موازنه قدرت، به موازنه تهدید سوق داد. او معتقد بوده است که قدرت‌ها در برابر افزایش قدرت سایرین، دست به موازنه نمی‌زنند. در مقابل آنچه باعث می‌شود کشورها به توازن روی آورند، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۸). از نظر والت، آنچه تاکنون در عرصه علمی و دانشگاهی تحت عنوان توازن قوا مطرح بوده است، در عرصه عملی، توازن تهدید بوده است. مطالعات انجام شده توسط والت که بر روند اتحادها و ائتلاف‌ها در قرن بیستم و به‌ویژه در طول جنگ جهانی اول و دوم و نیز در دوران جنگ سرد تمرکز داشته است، نشان می‌دهد که کشورها نه در مقابل قدرت، بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده‌اند. (Walt, 2000: 401)

نظریه موازنه تهدید والت، تشکیل اتحاد را پاسخی به تهدیدات خارجی می‌داند، نه صرفاً افزایش قدرت یک کشور دیگر. اتحادها نقش محوری در روابط بین‌الملل ایفا می‌کنند. زیرا به نظر می‌رسد که آنها بخشی جدایی‌ناپذیر از روابط میان دولت‌هاست. اتحاد بین دو یا چند کشور برای مقابله با یک دشمن مشترک شکل می‌گیرد. یکی از بحث‌های اصلی سیاست خارجی در هر کشور بر این موضوع متمرکز است که با کدام کشور و یا بازیگر و برای چه مدت متحد شود. دولت‌های ضعیف زمانی وارد اتحاد می‌شوند که نیاز به حمایت در برابر دولت‌های قوی داشته باشند، یعنی برای دفاع از خود وارد اتحاد می‌شوند. دولت‌های قوی نیز برای مقابله با دیگر دولت‌های قوی وارد اتحاد می‌شوند. کشورها از متحدان خود انتظار دارند که در طول زمان درگیری از لحاظ نظامی و دیپلماتیک کمک کنند. تعهدی که توسط اتحاد منعقد شده است ممکن است رسمی یا غیر رسمی باشد، یعنی ممکن است بین آنها معاهداتی وجود داشته باشد یا نباشد. (Sarita, 2012: 224) بنابراین می‌توان گفت که تهدیدات خارجی دلیل عمده‌ای برای شکل‌گیری اتحاد هستند. البته هر تهدیدی منجر به اتحاد در عرصه بین‌المللی نمی‌شود،

بلکه تهدیداتی که موجودیت یا منافع دولت‌ها را به طور جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، در شکل‌گیری اتحادها مؤثرند.

از نظر والت، در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت‌های برتر، علاوه بر متغیر قدرت، سه متغیر دیگر نیز تأثیرگذارند که عبارتند از: مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت تهاجمی (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۸). از دید والت، نظریه موازنه تهدید جایگزین نظریه موازنه قوا نیست، بلکه قدرت تبیینی آن را افزایش می‌دهد. این نظریه بر این باور است که دولت‌هایی که با تهدید آنی مواجه هستند، ممکن است از طریق اتحاد با یکدیگر، به موازنه در مقابل آن بپردازند. بنابراین در نظریه موازنه تهدید، توزیع تهدیدات شامل توانایی‌ها، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت و مقاصد در شکل‌گیری اتحاد حائز اهمیت است. (شادمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

علاوه بر عامل قدرت، هرچه فاصله جغرافیایی دولت‌ها نیز نزدیک‌تر باشد، آن‌ها نسبت به هم تهدیدزاتر خواهند بود و هرچه فاصله آن‌ها از یکدیگر بیشتر باشد، تهدیدزایی آن‌ها از یکدیگر کمتر خواهد بود (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۹). متغیر دیگر در تهدیدزایی دولت‌ها، قابلیت‌های تهاجمی آن‌ها می‌باشد. بدین معنی که در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه، یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی یا گفتمان دامن‌گستر، آن‌ها را تهدیدزاتر می‌کند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵). چهارمین متغیر تأثیرگذار در ایجاد موازنه، نیت تهاجمی دولت‌هاست. این متغیر مبین آن است که هرچه از نظر دیگران، نیت تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که آن‌ها به موازنه روی آورند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵)

۲-۱. عملیاتی کردن گزاره‌های نظریه موازنه تهدید

به نظر می‌رسد اکثر مولفه‌های در ارتباط با رابطه اسرائیل با اقلیم کردستان عراق و حمایت این رژیم از تمایلات استقلال خواهانه کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران در این پژوهش بر مبنای نظریه موازنه تهدید قابل تحلیل باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جمهوری اسلامی ایران به دشمن سرسخت اسرائیل در منطقه غرب آسیا تبدیل گشت. وقوع انقلاب در ایران باعث گردید استراتژی اتحاد پیرامونی که به عنوان راهنمای عمل سیاست خارجی اسرائیل می‌باشد متناسب با

تحولات منطقه و بر مبنای دشمنی اسرائیل با ایران بازتعریف گردد. و از این رو، مکان جغرافیایی پیرامون در استراتژی امنیت ملی اسرائیل از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق هم‌جوار ایران تغییر یافت. در این شرایط اقلیم کردستان عراق به عنوان یکی از مناطق هم‌جوار با جمهوری اسلامی ایران، محیط مناسبی جهت توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه اسرائیل قرار گرفته و از جایگاه ویژه‌ای نیز در سیاست خارجی این رژیم برخوردار شده است.

با توجه به گزاره‌های نظریه رئالیسم تدافعی با تاکید بر موازنه تهدید، باید اذعان داشت که استراتژی کلان اسرائیل بر اساس «بقا» پایه‌ریزی شده و لذا در پیگیری اتحاد پیرامونی و افزایش حضور و نفوذ خود در منطقه و به خصوص اقلیم کردستان عراق و حمایت از تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق، همواره به دنبال رفع تهدیدات فراروی موجودیت و امنیت ملی خود به خصوص از سوی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم‌پیمان این کشور در منطقه و حتی رفع تهدیدات از جانب گروه‌های مقاومت و نیابتی از سوی ایران بوده است. تلاش نخبگان سیاسی و نظامی اسرائیل در بُعد عملیاتی، رفع چالش‌های امنیتی بر اساس تهدیداتی است که در محیط پیرامونی این کشور وجود دارد. از طرفی فهم جامعه اسرائیل به دلیل فقدان مشروعیت در محیط روانی نیز شکل می‌گیرد و لذا در جهت افزایش امنیت نسبی و بقا، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی را تدافعی، عمل‌گرایانه و مبتنی بر موازنه تهدید شکل می‌دهد. از این رو، اتحاد با هویت‌های ناهمگن در منطقه نظیر اقلیم کردستان عراق نیز بر اساس همین نظریه قابل تحلیل است.

۳. اسرائیل و دکترین اتحاد پیرامونی بن گوریون

از سال ۱۹۴۸ میلادی در زمینه اهداف اصلی سیاست خارجی رژیم اسرائیل دو مکتب کم و بیش متمایز به ظهور رسید. مکتب فکری نخست را دیوید بن گوریون^۱ رئیس وقت آژانس یهود و نخستین نخست وزیر این کشور مطرح کرد. این دیدگاه، اولویت در سیاست خارجی رژیم اسرائیل را برقراری پیوند با دنیای غرب و یهودیان سراسر جهان و حفظ آن می‌دانست و گسترش مناسبات با کشورهای منطقه خاورمیانه را هدف بعدی

^۱ David Ben-Gurion

و درجه دوم در نظر می‌گیرد (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۰). این استراتژی به عنوان ابزاری برای متعادل کردن پان عربیسم و دور زدن همسایگان عرب متخاصم اسرائیل، در خدمت تقویت امنیت و روابط اقتصادی این رژیم و کاهش انزوای منطقه‌ای بود (Guzansky, 2021: 88). نخست وزیر دیوید بن گوریون (۱۹۴۸-۱۹۵۳) مکتب فکری دوم توسط موشه شاروت (شرتوک) رئیس بخش سیاسی آژانس یهود و نخستین وزیر امور خارجه رژیم اسرائیل مطرح شد. مبنی بر اینکه رژیم اسرائیل باید اولویت سیاست خارجی خود را برای ادغام هرچه بیشتر در کشورهای خاورمیانه بگذارد. (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

اما امروز، سیاست خارجی رژیم اسرائیل تحت یک «دکترین پیرامونی معکوس» نیز عمل می‌کند و اخیراً روابط خود را با چندین کشور عرب خلیج فارس و کشورهای مدیترانه شرقی نیز ایجاد کرده و یا بهبود بخشیده است. مبنای استراتژی فعلی اسرائیل درک طرف‌های درگیر است که علیرغم اختلافات سیاسی خاص، منافع امنیتی و اقتصادی خاصی دارند که اتحاد می‌تواند منافع متقابل و ملموس را به‌ویژه مقابله با نفوذ فزاینده منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. (Guzansky, 2021: 88)

۴. پیشینه روابط اسرائیل و کردهای عراق

رابطه بین قوم یهود و دولت اسرائیل با کردها در افسانه‌ها پوشانده شده است و بر منحصر به فرد بودن و ماندگاری آنها در طول قرن‌ها تأکید شده است. برای بازگشایی این اسطوره‌ها، قرار دادن آنها در بافت تاریخی آنها مهم است. از زمان‌های بسیار قدیم، یهودیان با همسایگان خود در کردستان پیوندهایی داشتند که بیش از دو هزار سال قدمت دارد. آن‌ها زمینه مساعدی را برای روابط قوم یهود و اسرائیل با کردها در دوران مدرن ایجاد کردند. این پیوندها با احساس سرنوشت مشترک دو موجودیت کوچک و تحت آزار و اذیت که کشورهای همسایه مشروعیت آنها را برای دولت‌های خودشان سلب می‌کردند، تقویت شد. (Bengio, 2021: 2)

مطالعات اسناد تاریخی نشان می‌دهد حضور یهودیان در عراق به دوران قوم بابل در قرن ششم پیش از میلاد و در دوران زمامداری «نبوکد نصر» پادشاه بابل بر می‌گردد. در این دوره او پس از نابود کردن یهودیان در اورشلیم، امکان مهاجرت گروهی از یهودیان را از فلسطین به بابل فراهم آورد. این در حالی است که پادشاهان پس از او در عراق به این

دسته از یهودیان اجازه دادند تا بار دیگر به فلسطین باز گردند. در این میان تعداد اندکی از یهودیان تصمیم گرفتند تا در عراق به زندگی خود ادامه دهند. بعد از ظهور دین اسلام، فعالیت یهودیان از زمان خلفای عباسی محدود و در برخی زمینه‌ها نیز ممنوع شد. با این حال، یهودیان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق نقش داشتند. (جاودانی مقدم و موسوی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

با اعلام تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸ و شروع درگیری میان اعراب و یهودیان مستقر در عراق، پارلمان عراق در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۱ مجوز مهاجرت یهودیان از عراق به سرزمین‌های اشغالی را صادر کرد که در این میان ۳۰ هزار نفر از یهودیان کُرد شمال عراق به اسرائیل نقل مکان نموده‌اند. با کودتای سال ۱۹۵۸ در عراق که منجر به سرنگونی دولت تحت حمایت انگلستان در این کشور گردید، نقش برجسته ملأ مصطفی بارزانی رهبر کردهای عراق در تحولات کردستان عراق بیش از پیش هویدا گردید. در سال ۱۹۶۱ دولت عراق انحلال حزب دموکرات کردستان عراق را اعلام نمود که سرآغاز جنگ و تنش میان کردهای عراق و دولت مرکزی این کشور گردید. در این مقطع زمانی، سرویس جاسوسی اسرائیل با بارزانی ارتباط برقرار کرد و بارزانی که تحت فشار دولت مرکزی عراق بود، پیشنهاد اسرائیل را برای همکاری پذیرفت. (روحی، ۱۳۸۵: ۷۸)

از این رو، از سال ۱۹۶۶ میلادی، ارتباطات اسرائیل با بارزانی آغاز شد و طی سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ بسیار گسترش یافت و در پی آن هیأت‌های مختلف اسرائیلی از کردستان عراق دیدار کردند و بدین‌سان، روابط میان اقلیم کردستان عراق به عنوان تاثیرگذارترین جریان غیردولتی غیرعرب در منطقه غرب آسیا و بزرگ‌ترین گروه قومی فاقد استقلال سیاسی در جهان با رژیم اسرائیل، در راستای منافع و امنیت ملی این رژیم تعریف گردید. و از این رو، از ارزش و اهمیت بسیاری در استراتژی امنیت ملی رژیم اسرائیل به خصوص در راستای تلاش این اقلیم برای برخورداری از موجودیت سیاسی مستقل در خاورمیانه برخوردار شدند.

در سال ۱۹۶۶، عبدالعزیز العقیلی، وزیر دفاع عراق، کردهای عراق را به دلیل تلاش برای ایجاد «اسرائیل دوم» در خاورمیانه سرزنش کرد. وی مدعی شد که: «غرب و شرق از

شورشیان حمایت می‌کنند تا کردستان عراق یک کشور جدید اسرائیلی در شمال عراق ایجاد کند. گویی تاریخ در حال تکرار است به مانند در سال ۱۹۴۸ زمانی که اسرائیل ایجاد گردید. روابط بین اسرائیل و کردستان عراق با سفرهای مصطفی بارزانی به اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ بیش از پیش، توجه کشورهای منطقه را به رابطه اسرائیل و کردستان عراق جلب کرد. روابط با کردها، همواره عنصر مهم در سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه بوده است. این امر به ویژه در مورد روابط اسرائیل با کردهای عراق که متحدان مهم منطقه‌ای برای این رژیم محسوب می‌شوند، صدق می‌کند. از نظر تاریخی، اتحاد اسرائیل و کردها بخشی از دکترین پیرامونی این رژیم می‌باشد. این استراتژی در سیاست خارجی اسرائیل که در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، مبتنی بر همکاری با کشورها و نهادهای غیر عربی در خاورمیانه بزرگ، علیه کشورهای عربی بود که با اسرائیل دشمنی داشتند، مانند کشور عراق. (Wojnarowicz, 2017: 1)

درگیری کردها با صدام باعث شده بود که صدام در ارتباطات خود با آمریکایی‌ها، گسترش روابط خود را با این کشور منوط به حل مسأله کردها در شمال عراق کند. بنابراین، با وساطت آمریکا، و در پی قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق، در چرخشی ناگهانی ایران و اسرائیل روابط خود را با بارزانی قطع کردند. این مسئله که از نظر کردها که نوعی خیانت به آنان محسوب می‌شد، سبب تیرگی و سردی روابط بین اسرائیل و کردها گردید.

با آغاز اشغال کویت توسط ارتش عراق و لشگرکشی آمریکا به منطقه خلیج فارس جهت حمایت از کویت و به موازات حمایت این کشور از قیام کردها در سال ۱۹۹۱ و شکل‌گیری مناطق پرواز ممنوع در شمال عراق تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد، زمینه برای تشکیل حکومت خودگردان کردستان در شمال این کشور فراهم گردید. بدین سان روابط اسرائیل و کردها مجدداً وارد مرحله جدیدی شده و با آشکار شدن احتمال تجزیه عراق توسط کردها، اسرائیل به حمایت از آنان در خلال جنگ پرداخت. با این وجود، ایجاد قراردادهای استراتژیک میان اسرائیل و ترکیه در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ میلادی، مجدداً سبب تضعیف روابط اسرائیل و کردها شد. چنانچه در سال ۱۹۹۷ میلادی اسرائیل با پایان دادن به سکوت خود در قبال فعالیت کردهای پ.ک.ک،

حمایت خود را از ترکیه علیه آنان اعلام کرد. این مسئله هم‌زمان با اعلام پ.ک.ک مبنی بر هدف قرار دادن خاک اسرائیل، سبب تضعیف تعاملات میان اقلیم کردستان عراق و اسرائیل شد. (Olsen, 1996: 9) پس از تهاجم ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط رژیم صدام حسین، امکان فعال‌سازی مجدد روابط دوجانبه میان اقلیم کردستان عراق و اسرائیل فراهم گردید. (Wojnarowicz, 2017: 1)

رژیم صهیونیستی همیشه سعی داشته است کردها را به نوعی با وضعیت خود در منطقه مقایسه و آنها را با خود همراه نماید. حتی در این راستا به تاریخ‌سازی نیز روی آورده است. روزنامه هآرتس مقاله‌ای در خصوص رابطه ژنتیکی یهودیان و کردها منتشر و اعلام کرده است: «پژوهش‌هایی که در دانشگاه عبری اورشلیم صورت گرفته است نشان می‌دهد که کردها و یهودی‌ها از نظر ژنتیکی بیشترین شباهت را به هم دارند و اجداد یکسان آنها در جنوب شرقی ترکیه و شمال عراق زندگی می‌کردند. و یا «حیدر دومل»، استاد دانشگاه دهوک، می‌گوید: «کردها همیشه تصور می‌کردند با اسرائیل دوست هستند زیرا یهودیان کُرد در اسرائیل و کُردهای یهودی در کردستان حضور دارند و تاریخ مشترکی از ستم دارند. (قاسمی، ۱۳۹۶: ۳۴) از این‌رو، پیوندهای پایداری بین دو اقلیت منطقه‌ای -یهودیان و کردها - از دهه ۱۹۶۰ از طریق همکاری‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفت. بیشتر این همدلی ناشی از سابقه مشترک آزار و اذیت، مبارزه برای حفظ هویت و در نهایت حفاظت از موجودیت خود در میان مخالفت همسایگان منطقه‌ای می‌باشد. (Liga, 2017: 2) یهودیان کردی که در دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت کردند، به عنوان سفیران عالی برای کردهای عراق ایفای نقش کردند و آرمان خود را در میان مردم اسرائیل تبلیغ و دفاع کردند. به عنوان مثال، پس از سرکوب قیام کردها در سال ۱۹۹۱ توسط صدام حسین، جامعه کُرد در اسرائیل که در آن زمان ۱۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد، یک عملیات امداد رسانی گسترده برای کردهای عراق سازماندهی نمود. (Minasian, 2007: 17)

شکی نیست که ظلم و ستم کشورهای عربی و شکست آنها در برخورد مناسب با حقوق کردها، نسل‌های جدید کردها را از جهان عرب بیش از پیش دور کرده و به دامان اسرائیل سوق داده است. حتی اسرائیل در حمایت اعلام شده و مشتاقانه خود از استقلال

کردستان، آشکارا سعی کرده است تا شباهت‌هایی را بین تاریخ خود و مبارزه کردها برای ایجاد کشوری مستقل ایجاد کند. اسرائیل با این کار سعی کرده است شباهت‌های مبارزات کردها و فلسطینیان علیه استعمار و ظلم را از بین ببرد. اما چنین تفسیری از تاریخ، نه تنها خودخواهانه نیست، بلکه بسیار نادرست است. زیرا گردها بخشی جدایی‌ناپذیر و معتبر از منطقه و جهان عرب بوده‌اند، آن‌ها به مانند اسرائیل، استعمارگر نیستند و از قدرت نظامی برای مصادره زمین‌ها یا خلعید مردم هیچ‌گاه استفاده نکرده‌اند. در حالی که همیشه یک اقلیت یهودی در فلسطین تاریخی و جهان عرب وجود داشته است، صهیونیسم بخشی از یک جنبش بومی نبود، بلکه در اروپا متولد شده تا به آنچه «مسأله یهودی» نامیده می‌شود، ناشی از آزار و اذیت نهادینه شده و جنایات مرتکب علیه یهودیان در سراسر اروپا در نیمه اول قرن بیستم باشد.

۵۱



اسرائیل؛ استقلال
خواهی کردستان
عراق و تهدیدات آن
برای امنیت ملی
جمهوری اسلامی
ایران

۵. همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق

کردستان عراق به شکل کنونی خود در سال ۱۹۹۲ و در پی مداخله نظامی آمریکا در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که منجر به عقب‌نشینی عراق از اشغال کویت گردید به خودمختاری حداقلی رسید. پس از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام، کردها توانستند اقلیم کردستان عراق را به منطقه‌ای فدرالی تبدیل کنند. در اولین همه‌پرسی غیر الزام‌آور که در کنار انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ انجام شد، تقریباً ۹۹ درصد کردها به استقلال این اقلیم در آینده رأی داده‌اند. در میان سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ علیرغم اینکه این اقلیم در اوج شکوفایی بود اما روابط بین پایتخت این اقلیم و دولت مرکزی عراق با تنش‌هایی همراه بوده است. در ژوئن ۲۰۱۴، سازمان تروریستی داعش کنترل شهر موصل، دومین شهر بزرگ عراق را در ۸۰ کیلومتری اربیل پایتخت اقلیم کردستان عراق به دست گرفت. حملات داعش و ضعف ارتش عراق در تأمین امنیت شهرها، به موازات اختلاف اقلیم کردستان عراق بر سر بودجه و مناطق مورد مناقشه با دولت مرکزی عراق باعث گردید تا کردها در ژوئیه سال ۲۰۱۴، خواستار تشکیل یک کمیسیون انتخاباتی برای آماده‌سازی همه‌پرسی استقلال منطقه اقلیم کردستان عراق گردند. (Sasnal, 2017: 1)

سرانجام در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق برگزار گردید که نتیجه آن، رأی مثبت به استقلال از عراق بود. در این همه‌پرسی، ۹۲ درصد از رأی دهندگان در کردستان عراق به جدایی از بغداد رأی دادند. این همه‌پرسی در سه استان تشکیل دهنده دولت اقلیم کردستان که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شده است و همچنین در مناطق مورد مناقشه از جمله شهر کرکوک، یک شهر چند قومی غنی از انرژی برگزار شد.

بعد از همکاری کردها در جنگ آمریکا با عراق، که منجر به تشکیل منطقه فدرالی اقلیم کردستان با حمایت آمریکا گردید و این موضوع در قانون اساسی عراق نیز پذیرفته شد، امتیازات زیادی نسبت اقلیم کردستان عراق گردید که شامل قانونی اعلام شدن نیروی نظامی کردها، رسمی شدن زبان کردی، در کنار مشارکت گسترده کردها در هرم قدرت حکومت مرکزی از جمله انتخاب جلال طالبانی به‌عنوان رئیس‌جمهور عراق و کسب ۲۴ درصد کرسی‌های مجلس عراق توسط کردها بوده است. (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

همواره سه موضوع تنش‌زا در روابط منطقه اقلیم کردستان عراق با دولت مرکزی عراق وجود داشته است که شامل سهم کردستان از بودجه فدرال، تولید و فروش منابع هیدروکربنی آن و وضعیت مناطق مورد مناقشه می‌باشد. طبق قانون اساسی، دولت مرکزی باید فروش نفت عراق را اداره کند و در عین حال سهمی از درآمدها را به استان‌ها، از جمله ۱۷ درصد برای اقلیم کردستان، بازتوزیع کند. کردستان عراق، همراه با کرکوک، در بردارنده حدود ۴۰ درصد نفت عراق است که کردها بدون دخالت بغداد از طریق ترکیه آن را توزیع می‌کنند. (Sasnal, 2017: 2)

با توجه به شک و تردید بسیاری از ناظران خاورمیانه در مورد توانایی واقعی دولت کردستان برای ادعای برخورداری از کشوری مستقل به دلیل سرزمین محصور در خشکی، اقتصاد پر بدهی و وابسته به نفت، و از همه مهم‌تر مخالفت کشورهای ایران، ترکیه و سوریه با این همه‌پرسی و تحریم منطقه خودمختار کردستان عراق، لذا همان‌طور که پیش‌بینی می‌گردید این همه‌پرسی به سرمنزل مقصود نرسید و صرفاً منجر به مذاکرات مجدد بین منطقه خودمختار و دولت مرکزی عراق گردید. (Liga, 2017: 3)

پیش‌بینی می‌گردد با وجود به نتیجه نرسیدن همه‌پرسی استقلال کردها در عراق، اما اگر تبعات همه‌پرسی به تدریج از طریق ایجاد یک کنفدراسیون یا یک سیستم واقعاً فدرال منجر به اصلاح تدریجی روابط ناکارآمد بین اقلیم کردستان عراق و بغداد گردد، این جریان می‌تواند منجر به یک سناریوی برد-برد برای دو طرف گردد. هرچند صحنه اهتزاز پرچم‌های اسرائیل در شهرهای کردستان در جریان همه‌پرسی، همراه با شعارهای گزارش شده مانند «ما اسرائیل دوم هستیم» حاکی از تغییر فرهنگ سیاسی کردها و جدایی آشکار از گذشته دارد. که حتی با وجود توافق این اقلیم با دولت مرکزی عراق، این نگرانی همچنان ادامه خواهد داشت.

۵۳



اسرائیل؛ استقلال
خواهی کردستان
عراق و تهدیدات آن
برای امنیت ملی
جمهوری اسلامی
ایران

محاصره ژئوپلیتیکی و آسیب‌پذیری طبیعی اقلیم کردستان عراق، مخالفت دولت مرکزی عراق و کشورهای همسایه اقلیم کردستان عراق به خصوص جمهوری اسلامی ایران که دارای اقلیت کردنشین هستند و شرایط منطقه، در وضعیتی قرار ندارد که امکان به ثمر نشستن تمایلات استقلال خواهانه کردها در اقلیم کردستان عراق وجود داشته باشد. لذا تفکر اغلب احزاب و نخبگان کردی در حال حاضر، تثبیت دولت فدرالی اقلیم کردستان عراق و تلاش برای احقاق سایر خواسته‌های خود است، تا با تثبیت دولت فدرالی و به دست آوردن سایر امتیازات و تقویت زیرساخت‌های خود، بتوانند گام‌های بعدی را با توجه به تحولات منطقه و شرایط به وجود آمده بردارند.

۶. اسرائیل و حمایت از تمایلات استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق

امروزه بسیاری از کشورها و نظام‌های رقیب، تمرکز بیشتری بر بکارگیری توان اقلیت‌های ناراضی و ستیزه‌جو در درون جوامع همدیگر دارند. می‌توان گفت به علت کارکردی که توجه به این موضوع در سیاست خارجی کشورها دارد، تأثیرگذاری و اثربخشی آن به مراتب بیشتر از دیگر ابزارهای دیپلماسی و حتی در بخش‌های دفاعی و امنیتی است. از این‌رو، بهره‌گیری از توانمندی‌ها و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل اقلیت‌های دینی و نژادی در میان کشورهای منطقه و تحریک و پشتیبانی آنها جهت پیگیری تمایلات استقلال‌خواهی، همواره یکی از ابعاد اصلی سیاست خارجی اسرائیل متأثر از دکترین پیرامونی این رژیم بوده است.

از این رو، تشکیل دولت مستقل کردی در اقلیم کردستان عراق نیز همواره مورد توجه اسرائیل و دولت‌های متعدد آن بوده و حتی پیش از برگزاری همه‌پرسی در سال ۲۰۱۷، کردها را تشویق به این کار می‌کردند. آرزوهای کردها برای استقلال در سال‌های اخیر توسط بسیاری از سیاستمداران برجسته اسرائیلی نظیر نخست وزیر بنیامین نتانیا هو، وزیر دفاع آویگدور لیبرمن، وزیر دادگستری آیلت شاکد، و رئیس جمهور شیمون پرز مورد حمایت قرار گرفته است. اسرائیل تنها دولتی در منطقه بوده است که آشکارا از همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ حمایت و آن را تأیید نموده است (Wojnarowicz, 2017: 2). اما آنچه که در این میان حائز اهمیت می‌باشد این است اهداف و انگیزه‌های حمایت رژیم اسرائیل از تمایلات استقلال خواهانه اقلیم کردستان عراق چه می‌باشد؟ و آیا حمایت صریح اسرائیل از استقلال کردستان عراق به پیشبرد آرمان کردها کمک می‌کند، یا مانع آن می‌شود؟

شور و شوق اسرائیل برای استقلال کردستان ربطی به دلسوزی برای کردها، چه در عراق و چه در جاهای دیگر ندارد، و بیشتر به منافع ژئوپلیتیکی مربوط می‌شود. در واقع، برای اسرائیل، دولتی که بر پایه اشغال نظامی وحشیانه و آپارتاید بنا شده و برپا شده است، حمایت از آزادی کردها یا هر گروهی از مردم جهان، بسیار طعنه‌آمیز است. تاریخ نشان داده است که اسرائیل نه تنها حق تعیین سرنوشت برای مردم فلسطین را نیز انکار می‌کند، بلکه سابقه حمایت فعالانه از حکومت‌های جنایتکار در آمریکای مرکزی و جنوبی و رژیم سابق آپارتاید در آفریقای جنوبی را نیز دارد. همچنین اسرائیل هرگز در تاریخ خود از هیچ جنبش آزادیبخش ملی دیگری حمایت نکرده است.

حمایت اسرائیل از یک کشور مستقل کردی صرفاً به دلایل ژئوپلیتیکی است. اسرائیل می‌خواهد جریان نفت از منطقه خودمختار کرد را تضمین کند، اما مهم‌تر از آن، می‌خواهد یک نهاد طرفدار اسرائیل ایجاد کند که از جهان عرب عبور کند. اسرائیل در حال حاضر ۷۷ درصد نفت خود را از اقلیم کردستان عراق وارد می‌کند. این واردات برای رژیم صهیونیستی بسیار مهم است، زیرا به منابع طبیعی کشورهای نفت خیز خلیج فارس دسترسی ندارد. همچنین، اسرائیل معتقد است که یک کشور مستقل می‌تواند به عنوان یک پایگاه بالقوه برای ارتش و اطلاعات اسرائیل عمل کند و برای این کشور

اهرمی علیه ایران، سوریه و عراق می‌باشد. ایجاد یک کشور کرد مستقل در خاورمیانه کاملاً با طرح «اودد یون» در سال ۱۹۸۲ برای خاورمیانه مطابقت دارد که از تجزیه جهان عرب در امتداد خطوط قومی و فرقه‌ای برای تقویت اسرائیل و گسترش هژمونی آن حمایت می‌کرد. (Andoni, 2017: 2) یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ریشه‌دار اسرائیل برای حفظ موجودیت خود و مقابله با کشورهای منطقه، طرح ایجاد تزلزل از طریق سازوکارهای تفرقه افکنی قومی- مذهبی بوده و توجه به این مهم را ضرورتی امنیتی برای خود به حساب آورده است. این شیوه که در نگاره اسرائیلی به «عثمانی‌زاسیون» یا «شیوه ارزنی مطابق امپراتوری عثمانی» مشهور است، بر این امر مبتنی است که با حمایت از قومیت‌های مختلف و مذاهب موجود در منطقه، تمایل آنها را برای استفاده و ایجاد دولتی مستقل تحریک نموده و آنها را در تحقق این هدف از طریق شیوه‌های مختلف نظیر مسلح کردن ترغیب نماید. از طرف دیگر، چون این واحدهای ارزنی برحسب قلمرو مشخصی تعیین نمی‌شوند، بلکه وجوه مشترک قومی و مذهبی مبنای شکل‌گیری آن را تشکیل می‌دهند، در مرزهای جغرافیایی معلومی محدود نخواهند شد؛ در نتیجه دولت‌های ملی که در محدوده و مرز جغرافیایی مشخص شکل گرفته‌اند، دچار تزلزل خواهند شد. با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های دولت‌های خاورمیانه‌ای، وجود قومیت‌ها و مذاهب متفاوت در یک کشور است، بهره‌بردارای از این فرصت، از راه‌کارهای بنیادین اسرائیل در منطقه بوده است. (جلال‌پور و لطفی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۸۴)

کارشناسان مرکز مطالعات استراتژیک «بگین سادات» اسرائیل در جدیدترین پژوهش‌های منطقه‌ای خود اعلام کرده‌اند: «اسرائیل به دولت مستقل کردستان احتیاج دارد». «ادی کوهن» از آکادمیسن‌های معروف رژیم صهیونیستی در خصوص همه‌پرسی جهت استقلال کردهای عراق در این باره می‌گوید: «به نمایندگی از دولت اسرائیل و از تل‌آویو به شما مردم گُرد ندا می‌دهم که پدران و اجداد شما برای این فرصت تاریخی به وجود آمده و جان خود را فدا کرده‌اند! ای مردم گُرد! زمان استقلال فرا رسیده است! به این رفراندوم تاریخی «آری» بگویید! مردم و دولت اسرائیل تا آخر از شما حمایت خواهند کرد. زمان تشکیل دولت کردستان فرا رسیده است». خانم «ژینت اسکاندرانی» پژوهشگر فرانسوی و بنیان‌گذار انجمن «سنگ و درخت زیتون» می‌گوید: «به نظر من موضوع درک

حمایت اسرائیل از همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق ساده است، چون منطقه‌ای که کردهای عراق در آن قرار دارند دارای منابع سرشار نفت است و از آنجا که مسعود بارزانی به اسرائیل قول داده است نفت را تقدیم کند، بنابراین یکی از دلایل حمایت اسرائیل از تجزیه عراق نیز همین موضوع است. ولی حمایت اسرائیل از تجزیه عراق هرگز در آینده به نفع کردها نخواهد بود». (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۰)

حمایت از کردها و آرمان آنها برای کسب استقلال و ایجاد دولت مستقل گرد از آن جهت برای اسرائیل حائز اهمیت می‌باشد که می‌تواند زمینه‌ساز دست‌یابی اسرائیل به اهداف دیرینه خود در منطقه غرب آسیا، یعنی ایجاد اسرائیل بزرگ و عملی کردن ایده از نیل تا فرات نیز گردد. در این میان، اقلیم کردستان عراق می‌تواند نقش هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل را بازی نماید. از این‌رو، برخلاف تصور کردها، اسرائیل نه تنها باعث دست‌یابی آنها به اهدافشان نمی‌شود، بلکه حتی می‌تواند به مانعی اساسی برای دست‌یابی آنها به استقلال تبدیل گردد؛ چرا که حضور اسرائیل در کردستان باعث ایجاد حساسیت گروه‌های داخلی عراق و حتی کشورهای منطقه به خصوص جمهوری اسلامی ایران نسبت به این مسئله خواهد شد. در واقع، رهبران سیاسی برجسته عراق و ایران قبلاً نسبت به ایجاد «اسرائیل دوم» در منطقه هشدار داده‌اند. اسرائیل امیدوار است که کردستان مستقل و دموکراتیک، توازن قوا را در خاورمیانه به گونه‌ای تغییر دهد که برای اسرائیل مفید باشد. ظهور یک کشور دوست در کردستان عراق، قدرت فزاینده ایران در منطقه را متعادل می‌کند و مانع ایجاد کریدور شیعی بین ایران، عراق و سوریه می‌شود. برقراری روابط با کردستان مستقل همچنین به معنای کاهش بیشتر انزوای منطقه‌ای اسرائیل و امکان همکاری باز اقتصادی و نظامی است. در عین حال، اسرائیل احتمال بی‌ثباتی منطقه‌ای پس از اعلام استقلال کردستان عراق را در نظر می‌گیرد که به نوبه خود ممکن است بر امنیت اسرائیل تأثیر بگذارد. (Wojnarowicz, 2017: 2)

از این‌رو، رژیم اسرائیل، همواره ایجاد یک کشور مستقل کُردی را فرصتی برای تقویت موقعیت این رژیم در منطقه غرب آسیا می‌داند. حتی برخی احزاب اسرائیل ضرورت اقدام نظامی اسرائیل را برای دفاع از موجودیت اقلیم کردستان عراق در صورت هرگونه سرکوب آنها، جزو مصوبات داخلی حزب آورده و رسماً آن را به تصویب رسانده‌اند.

از نقطه نظر اسرائیل، یک کشور کُرد مستقل در شمال عراق علاوه بر اینکه می‌تواند به کاهش تهدیدات منطقه‌ای فراروی امنیت ملی اسرائیل کمک نموده و به عنوان حایلی در برابر نفوذ جمهوری اسلامی ایران عمل کند، می‌تواند از طراحی «هلال شیعی» ایران که ایران، عراق، سوریه و حزب الله لبنان را به هم متصل می‌کند، نیز جلوگیری نماید. در همین راستا «کنت ام پولاک»، تحلیلگر سابق آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا و شورای امنیت ملی این کشور، می‌گوید: «اسرائیل به دنبال دوستان در منطقه است، و در این میان کردها عموماً می‌خواهند دوست اسرائیل باشند و به فلسطین نیز اهمیت نمی‌دهند و لذا کردستان مستقل پایگاهی برای عملیات اسرائیل علیه ایران، از طریق جمعیت کُرد ایران خواهد بود. بنابراین، حمایت اسرائیل از همه‌پرسی کردستان ممکن است نشان دهنده ادامه سنت دیرینه دستکاری آرمان کردها برای تأمین منافع بازیگران خارجی یا منطقه‌ای باشد. (Halbinger, 2017)

اسرائیل با کمک به استقلال کردها در واقع تلاش می‌کند تا به ظهور کردستان به عنوان متحد جدید خود در خاورمیانه دست یابد. این مسئله با توجه به انزوای کردستان و اسرائیل در میان همسایگان و منافع دو جانبه اتحاد آنان در مقابله با دشمن مشترکشان اجتناب ناپذیر است. لذا اسرائیل، کردستان را به عنوان نقطه اتکایی علیه اعراب و دولت‌های اسلامی و متحد استراتژیک خود در منطقه می‌داند. (موسوی‌زاده و جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۸: ۲۱۲) اسرائیل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران و حتی ترکیه، قدرت چانه‌زنی خود را در منطقه نیز بالا خواهد برد؛ زیرا اسرائیل خواهد توانست مساله جدایی‌خواهی قومی را تبدیل به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی ایران و ترکیه نماید و از طرف دیگر، قدرت چانه‌زنی اعراب با اسرائیل به علت تشکیل یک کشور غیر عرب در خاورمیانه که مشکلات تاریخی با اعراب داشته و پتانسیل رابطه خوب با اسرائیل را دارد را نیز کم خواهد کرد. (شیخ عطار، ۱۳۸۳: ۳۶۴)

۷. تبعات حمایت اسرائیل از استقلال‌خواهی کردستان عراق بر امنیت ملی ایران
جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد که حدود ۵۰۰ کیلومتر آن متعلق به مناطق کردنشین است. با تشکیل اقلیم کردستان عراق، روابط ایران

با آنها عموماً حسنه بوده است. هر چند با برگزاری همه‌پرسی استقلال در سال ۲۰۱۷، این روابط دچار تنش شده و سطح مناسبات را کاهش داده است، با این وجود، همواره تحولات کردستان عراق برای ایران مهم بوده و باعث ایجاد نگرانی‌هایی شده است. (منصوری حمل‌آبادی، ۱۳۷۶: ۲۳) پیشبرد تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق با حمایت رژیم اسرائیل، پیامدهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم و در ابعاد مختلف برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت. که از مهم‌ترین آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱-۷. ایجاد مطالبات جدید در میان کردهای ایران

اولین نگرانی جمهوری اسلامی ایران در مورد تمایلات استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق و حمایت گسترده اسرائیل از این خواسته، مربوط به ایجاد مطالبات جدید در بین کردهای مقیم جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

با توجه به اینکه کردهای مقیم کردستان عراق در طول فعالیت اقلیم کردستان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافتند، این مسئله باعث شکل‌گیری مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بین آنها شده است. البته در مورد مطالبات سیاسی کردهای ایران دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول متعلق به گروه‌های سیاسی مخالف نظام است که محور اصلی آن مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام لیبرالیستی در اداره مناطق کردنشین در قالب نظام فدرالیسم است و دیدگاه دوم به نخبگان سیاسی درون حکومت مربوط می‌شود که سعی دارند با حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و مدیریت کلان کشور در راستای قانون اساسی حرکت کرده و مطالبات خود را در قالب اصول اجرا نشده قانون اساسی پیگیری نمایند. (شیرازی و امجدیان، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

استقلال اقلیم کردستان عراق دربرگیرنده بیشترین نتایج برای نیروهای سیاسی اقلیم کردستان و در واقع اهداف، آرمان و آرزوهای دیرینه کردها را در بردارد. در این میان اسرائیل نیز همواره تلاش نموده است با حمایت از استقلال اقلیم کردستان، سطح مطالبات و انتظارات کردهای منطقه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران را نیز افزایش

دهد. (Alnoami, 2015: 3)

۲-۷. گسترش اختلافات قومی و فرقه‌ای در عراق و همسایگان اقلیم کردستان

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای همسایه عراق که دارای طولانی‌ترین مرز مشترک با این کشور می‌باشد نسبت به آینده عراق و تحولات اقلیم کردستان همواره نگران است، چرا که اقلیم کردستان عراق کم و بیش تأثیرات خاص خود را بر ایران و به ویژه بر مناطق کردنشین این کشور می‌گذارد. از طرفی با توجه به پیوند هرگونه تحول در وضعیت اقلیم کردستان عراق با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه با نظر به دیدگاه خصمانه متقابل جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل نسبت به یکدیگر در منطقه غرب آسیا و تضاد ماهیتی و ایدئولوژیک میان دو طرف، از این‌رو، تعاملات سیاسی-امنیتی اسرائیل و اقلیم کردستان عراق به خصوص حمایت این رژیم از تمایلات استقلال‌طلبانه اقلیم کردستان به موازات اصل نیت تهاجمی این رژیم علیه ایران، برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت مضاعف یافته و لذا این حمایت می‌تواند پیامدها و معضلات امنیتی متعددی را فراروی منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد، که از مهم‌ترین آن می‌توان به ایجاد اختلافات فرقه‌ای و قومی در عراق و کشورهای همسایه اقلیم کردستان عراق اشاره نمود. زیرا تمایل استقلال و خودمختاری کردها این فرصت را در اختیار رژیم اسرائیل قرار خواهد داد تا به واسطه مداخله و حضور در شمال عراق به بهانه حمایت از این خواسته کردها، زمینه را برای ایجاد نامنی و افزایش منازعات قومی و مذهبی در منطقه فراهم نماید. این اقدام همچنین باعث افزایش قدرت چانه‌زنی اسرائیل در منطقه شده و اهرم فشاری است بر علیه کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران که دشمن اسرائیل محسوب می‌شوند.

۳-۷. نگرانی از شکل‌گیری کردستان بزرگ

وقتی که در بهار ۱۳۷۹، حزب دموکرات کردستان عراق، اساسنامه جدید خود را تنظیم و تصویب نمود، در اولین صفحه آن به مسئله کردستان بزرگ اشاره نمود. (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸) بر این اساس، یکی از نگرانی‌های مهم ایران از شکل‌گیری فدرالیسم و دولت مستقل کُرد در شمال عراق، زمینه‌ساز شدن این استقلال به شکل‌گیری و سازماندهی کردستان بزرگ در منطقه می‌باشد (Alnoami, 2015: 3). این سناریو در صورت تحقق، بیشترین تبعات منفی امنیتی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت. زیرا

در آن صورت، اقلیم کردستان عراق بیشترین وابستگی را به غرب و ایالات متحده و رژیم اسرائیل خواهد داشت و اولویت‌های سیاسی آن نسبت به ایران بر اساس دیدگاه‌های آنها تنظیم خواهد شد. (کریمیان، ۱۳۸۱: ۴۶) از طرفی شکل‌گیری کردستان فدرال و توسعه آن با کمک‌های رژیم اسرائیل و دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا، در کنار اساسنامه‌های کُردی مبنی بر تشکیل کردستان بزرگ، به تدریج می‌تواند بر ذهن اقلیت‌های کُردی که در کشورهای دیگر نظیر جمهوری اسلامی ایران سکونت دارند، تأثیر بگذارد.

۴-۷. تشدید اقدام‌های کنترلی و بازدارنده اسرائیل در مقابل ایران

حضور و گسترش نفوذ اسرائیل در اقلیم کردستان عراق، ضمن اینکه منافع اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی این رژیم را تأمین می‌کند، از لحاظ سیاسی نیز منجر به یافتن متحدی غیر عرب در منطقه و هم‌مرز با جمهوری اسلامی ایران شده و این امر منجر به پیگیری اقدام‌های کنترلی و جاسوسی و ایجاد نوعی بازدارندگی در مقابل حضور و نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در منطقه و ایجاد سدی در مقابل تهدیدات این کشور و جبهه مقاومت علیه امنیت و موجودیت رژیم اسرائیل می‌گردد.

همه‌پرسی کردها می‌تواند احساسات جدایی‌طلبانه در استان‌های سنی‌نشین هم‌مرز با سوریه را نیز تشویق کند که در این صورت، برنامه‌های ایران برای حفظ یک کریدور دسترسی آسان به سوریه، لبنان و مدیترانه را به خطر می‌اندازد. (Sasnal, 2017: 2) با موفقیت فدرالیسم در عراق، توان چانه‌زنی آمریکا در مقابل سایر بازیگران منطقه‌ای به خصوص ایران که به عنوان بازیگر منطقه‌ای مخالف آمریکا مطرح است، افزایش می‌یابد و از طرفی دیگر امکان عرضه پایگاه‌هایی به ارتش آمریکا توسط دولت خودمختار کرد در شمال عراق نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند. (سلطانی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۱) مقامات رژیم صهیونیستی نیز معتقدند همان‌گونه که ایران در جنوب لبنان یعنی در مجاورت اسرائیل حضور دارد، اسرائیل نیز حق دارد در مجاورت مرزهای جمهوری اسلامی ایران یعنی در اقلیم کردستان عراق حضور داشته باشد.

۵-۷. تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران

رژیم اسرائیل با حمایت‌های مالی و معنوی خود از اقلیم کردستان عراق، علاوه بر اینکه سعی در هویت‌سازی بر پایه ناسیونالیسم کردی در شمال عراق دارد، تلاش می‌نماید این توانایی را در اختیار کرده‌های مقیم کشورهای ایران، ترکیه و سوریه نیز قرار دهد تا وضعیت خود را نسبت به آینده توجیه و حکومت اقلیم کردستان عراق را به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش پیش روی خود قرار دهند. این امر می‌تواند یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران را تحت‌تأثیر قرار دهد و بر دامنه تعارضات اجتماعی افزوده و مخالفان داخلی را با عوامل خارجی مرتبط نماید و در نهایت می‌تواند به ایجاد خلل در مشروعیت منجر گردیده و به تبع آن باعث تضعیف قدرت، امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز گردد.

۶۱

۸. راهبرد ایران در قبال حمایت اسرائیل از تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان

جمهوری اسلامی ایران همواره مسئله اقلیم کردستان عراق را در قالب کل عراق در نظر دارد و با توجه به اقلیت کرد در داخل کشور خود و تأثیر استقلال اقلیم کردستان بر مناطق کردنشین ایران، به هیچ وجه خواهان تجزیه عراق نبوده و همیشه بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور عراق تأکید نموده است.

اصلی‌ترین راه‌کار برای مقابله با تهدیدات ناشی از خودمختاری و استقلال احتمالی اقلیم کردستان عراق، ارتقای کیفیت زندگی از طریق توسعه اقتصادی، فرهنگی و همچنین مشارکت بیشتر مردم مناطق کردنشین جمهوری اسلامی ایران در مسئولیت‌های اجرایی جمهوری اسلامی ایران است. بهبود شرایط اقتصادی در این مناطق و استفاده از گردها در ساختار حکومتی سبب همگرایی بیشتر مردم کرد مقیم ایران با دولت مرکزی و مشروعیت‌بخشی بیشتر به وجهه نظام جمهوری اسلامی ایران در این مناطق می‌شود.

نیاز است جمهوری اسلامی ایران به مانند گذشته از وحدت و یکپارچگی کشور عراق حمایت کرده و ضمن داشتن حساسیت نسبت به تحولات اقلیم کردستان عراق، توجه بیشتری به مسائل و نارسایی‌های مناطق کردنشین خود نموده و بسترهای لازم را برای مشارکت و هم‌گرایی بیشتر آنان و تقویت هویت ملی انجام دهد. با توجه بیشتر به مناطق کردنشین و ایجاد فرصت‌های اقتصادی می‌توان شرایطی را فراهم نمود که پیوستن مردم



کردنشین ایران به کردستان بزرگ از نظر رفاه اقتصادی و جایگاه اجتماعی برای آنها شرایط بهتری را ایجاد نکند و در این صورت است که شرایط فعلی و هویت ایرانی را به پیوستن به سایر کشورها ترجیح خواهند داد.

جمهوری اسلامی ایران می‌بایست تلاش نماید تنش‌های بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق کاهش یافته و اختلافات موجود حل و فصل گردد. چراکه تداوم بحران، زمینه را برای حضور و دخالت هرچه بیشتر کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل فراهم ساخته و می‌تواند زمینه‌ساز تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران باشد. عکس‌ها و فیلم‌های تحریک‌آمیز پرچم‌های اسرائیل در اربیل و کرکوک، در حین و پس از برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق، به همان اندازه که برای جمهوری اسلامی ایران دردناک است، نباید منجر به انزوا یا شیطان‌سازی گردد. ما باید مسئولیت کشورهای عربی و همچنین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه را در بی‌عدالتی که بر کردها تحمیل شده است، بپذیریم. این استدلال که کردها، مهره اسرائیل و غرب هستند، این واقعیت را نادیده می‌گیرد که هر اقلیت تحت آزار و اذیت، صرف نظر از قومیت و مذهبش، می‌تواند طعمه نفوذ و دخالت خارجی شود و ما نمی‌توانیم حق تعیین سرنوشت آنها را انکار کنیم.

جمهوری اسلامی ایران اکنون با سه راهی بسیار دشواری بین حمایت و یا عدم حمایت از حق کردها برای تعیین سرنوشت، که حق مسلم همه مردم است، و مقاومت در برابر تلاش‌های اسرائیل برای مسلط شدن در کردستان عراق مواجه می‌باشد. هیچ پاسخ آسانی وجود ندارد، اما ارسال پیامی به مردم کرد مبنی بر حمایت حقوق بر حق جوامع کرد و تلاش در راستای تحکیم روابط میان جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق، به موازات احترام به قوانین مرکزی دولت عراق، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در این شرایط حساس منطقه‌ای، در کنار کردها باشد، نه در مقابل آنها. ما باید اطمینان حاصل کنیم که دولت مرکزی عراق، تلاشی برای سرکوب و کنترل مردم کرد انجام ندهد، بلکه تلاش تلاش نماید با رهبران کرد بر اساس احترام و برابری مذاکره نماید. کردها مردمی هستند که فرهنگ و مشارکت‌شان، قرن‌ها جهان عرب را غنی کرده است.

هنوز برای جلوگیری از گسست بین کردها و اعراب دیر نیست. مقابله با نقشه‌های مخرب اسرائیل برای منطقه بسیار مهم است، اما تبدیل کردها به دشمن جهان عرب، فقط به این دلیل که آنها به دنبال تعیین سرنوشت هستند، اشتباه و خودباختگی است. وقت آن رسیده است که از تکرار عبارت «کردستان اسرائیل دوم است» دست برداریم، حتی اگر برخی کردها از آن استفاده کرده‌اند. کردستان یک اسرائیل جدید نیست و هرگز نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

برخورداری از کشوری مستقل برای هر اقلیت یا قومیت موضوع بسیار مهمی است که در طول تاریخ برای نیل به این هدف تلاش و مبارزه نموده‌اند. یکی از این اقلیت‌های قومی، کردهای اقلیم کردستان عراق می‌باشند. کردها در عراق نسبت به سایر کردها در کشورهای همجوار خود، دارای موقعیت بهتری هستند و با حمایت کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل توانسته‌اند در دهه پایانی قرن بیستم و سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم، در شمال عراق حکومت فدرالی ایجاد کرده و به موفقیت‌های زیادی دست یابند. این اقلیم در راه عملی نمودن تمایلات استقلال‌خواهانه خود با وجود مخالفت‌های گسترده دولت مرکزی عراق، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سوریه، اما همواره از حمایت گسترده رژیم اسرائیل برخوردار بوده است. با توجه به تأثیر و تبعات تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق و اقدامات حمایتی رژیم اسرائیل حین و پس از تحولات مربوط به مسئله همه‌پرسی استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷، بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در کنار نحوه تعامل این منطقه خودمختار با ایران و از همه مهم‌تر، تضاد ماهیتی و ایدئولوژیک میان ایران و اسرائیل و اصل نیت تهاجمی این رژیم علیه ایران، این پژوهش به دنبال آن بوده است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی جهت آزمون فرضیه و روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری برای گردآوری داده‌ها، و بهره‌برداری از گزاره‌های نظریه واقع‌گرایی تدافعی با تأکید بر موازنه تهدید، دریابد نقش رژیم اسرائیل در استقلال‌خواهی کردستان عراق چه می‌باشد و این عامل چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است روابط اسرائیل و کردهای عراق در واقع ادامه دهنده

استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه برای خروج از انزوا و گسترش حضور در منطقه می‌باشد. و لذا کُردها و آرمان آنها برای کسب استقلال و ایجاد دولت مستقل کُردها برای اسرائیل اهمیت چندانی ندارد، بلکه صرفاً می‌توانند زمینه‌ساز دستیابی اسرائیل به اهدافش محسوب شوند. از این‌رو، برای رژیم اسرائیل حمایت از تمایلات استقلال‌خواهانه کردستان عراق در چارچوب استراتژی اتحاد پیرامونی بن‌گوریون، همواره اصلی مهم در راهبرد سیاست خارجی این رژیم برای مشروعیت‌بخشی به موجودیت خود و خروج از انزوا در منطقه و تثبیت اتحاد با موجودیتی غیر عرب و هم‌مرز با جمهوری اسلامی ایران بوده است. رژیم اسرائیل با گسترش نفوذ خود در اقلیم کردستان عراق و حمایت از تمایلات استقلال‌خواهانه کردها، ضمن اینکه منافع اقتصادی و نظامی خود را تأمین می‌نماید، از لحاظ سیاسی نیز با پیدا کردن متحدی غیر عرب در منطقه و هم‌مرز با جمهوری اسلامی ایران به عنوان دشمن اصلی خود، به دنبال اقدام‌های کنترلی و ایجاد نوعی بازدارندگی در مقابل تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت بر مبنای نظریه موازنه تهدید و از همه مهم‌تر، جامه عمل پوشاندن به آرزوی دیرینه خود در منطقه غرب آسیا، یعنی ایجاد اسرائیل بزرگ و عملی کردن ایده از نیل تا فرات می‌باشد.

بدون تردید برای هر کشور و نظام سیاسی، شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که موجودیت و امنیت آن‌را تهدید می‌کند، از اولویت اساسی برخوردار است. از این‌رو، حضور اسرائیل در کردستان عراق و حمایت گسترده از تمایلات استقلال‌خواهانه این اقلیم باعث ایجاد حساسیت گروه‌های داخلی عراق و کشورهای منطقه به خصوص جمهوری اسلامی ایران نسبت به این مسئله شده است. با توجه به اینکه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تابعی از مجموعه تحولات داخلی و تحرکات حادث در محیط امنیتی پیرامونی این کشور می‌باشد، لذا پیشبرد تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق با حمایت رژیم اسرائیل، می‌تواند به ایجاد مطالبات جدید در میان کردهای مقیم جمهوری اسلامی ایران، گسترش اختلافات قومی و فرقه‌ای در عراق و کشورهای در بر دارنده اقلیت کرد، نگرانی از شکل‌گیری کردستان بزرگ، تشدید اقدام‌های کنترلی و جاسوسی اسرائیل بر علیه جمهوری اسلامی ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل حضور

و نفوذ ایران در منطقه و تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران منجر گردد. در راستای مقابله با اثرات سوء و تهدیدات ناشی از تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق با حمایت رژیم اسرائیل بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، این کشور می‌بایست، ضمن حفظ رابطه و تثبیت همکاری‌های خود با اقلیم کردستان عراق، بر یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور عراق تاکید نموده و تلاش نماید تا اختلافات و تنش‌های میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق کاهش یابد. همکاری گسترده میان جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان عراق به خصوص در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی، ضمن احترام به دولت مرکزی عراق، می‌تواند نقش بسزایی در کاهش حضور و نفوذ اسرائیل در اقلیم کردستان عراق و در جوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از طرفی ارتقای کیفیت زندگی گُردهای مقیم ایران و توسعه اقتصادی، فرهنگی مناطق کرد نشین و مشارکت بیشتر اقلیت‌های کُرد در مسئولیت‌های اجرایی جمهوری اسلامی ایران نیز سبب هم‌گرایی بیشتر این اقلیت با دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران شده و حتی مشروعیت نظام را در مناطق کردنشین بیش از پیش ارتقا خواهد داد.

منابع

- اسلامی، محسن (۱۳۸۸). *سیاست خارجی اسرائیل*، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- جاودانی‌مقدم، مهدی و موسوی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۸)، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه تحقیقات و حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۱۱، صص ۲۰۱-۲۲۳.
- جلال‌پور، شیوا و لطفی‌نیا، علی (۱۳۹۵)، «کالبدشکافی سیاست خارجی اسرائیل در قبال کردستان عراق ۲۰۱۵-۲۰۰۳»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۸۱-۱۹۸.
- حاجی یوسفی، امیر محمد و ایمانی، همت (۱۳۹۰)، «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن برای ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره دوم، صص ۷۵-۱۰۴.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷). *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

حیدری، احمد؛ ابطحی، سید مصطفی؛ احمدی، حمید و ساعی، احمد (۱۳۹۷)، «استراتژی اسرائیل در کردستان عراق و نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۴، صص ۱۰۹-۱۲۸.

خداوردی، حسن و شیرزاد، محمد (۱۳۹۹)، «استقلال اقلیم کردستان در آینه سیاست‌های اسرائیل؛ تحلیلی بر اساس نظریه ساختاربندی گیدنز»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره دهم، شماره ۲، صص ۵۹-۸۴.

دانلی، جک (۱۳۹۱)، *واقع‌گرایی در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح ... طالبی آرانی، تهران: نشر میزان.

روحي، نبی‌الله (۱۳۸۵)، «سیاست خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی و کردستان عراق»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره‌های ۵۶ و ۵۷، صص ۶۹-۸۶.

شادماني، مهديه؛ یزدانی، عنایت‌الله، بصیری، محمد علی (۱۳۹۷)، «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم اسرائیل و موازنه تهدید با ایران - بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر تغییر راهبرد اتحاد پیرامونی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۲۷-۱۵۰.

شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۳)، *سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در کردستان عراق*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

شیرازی، حبیب‌الله و فرامرز امجدیان (۱۳۸۷)، «تأثیر فدرالیسم عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۰.

عباسی، مجید (۱۳۹۲)، «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۷، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۹۷.

کرمانی، داوود (۱۳۸۶)، «تأثیر فدرالیسم عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روز*، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۳۵-۱۵۰.

کریمیان، کمیل (۱۳۸۱)، *تحولات شمال عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامرضا چگنی‌زاده، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

منصوری حمل‌آبادی، عزیز (۱۳۷۶)، «مسئله کردها و سیاست بین‌الملل»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد*، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

موسوی‌زاده، علیرضا و جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۸۸)، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۱، صص ۲۰۱-۲۲۳.

- Alnoami, Saleh (2015), Strategic dimensions of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan, **Middle East Monitor**, available: <https://www.middleeastmonitor.com/20150901-strategic-dimensions-of-the-relationship-between-israel-and-iraqi-kurdistan/>.
- Andoni, Lamis (2017), Why is Israel supporting Kurdish secession from Iraq? **Aljazeera**, available: <https://www.aljazeera.com/opinions/2017/10/7/why-is-israel-supporting-kurdish-secession-from-iraq>.
- Bengio, Ofra (2021), Jews, Israel and the Kurds: unravelling the myth, **Israel Affairs**, 27 (5): 1-25, DOI: 10.1080/13537121.2021.1968209, available: <https://doi.org/10.1080/13537121.2021.1968209>.
- Guzansky, Yoel (2021), Israel's Periphery Doctrines: Then and Now, **Middle East Policy**, 28 (3-4): 88-100, available: <https://doi.org/10.1111/mepo.12579>.
- Halbinger, David M (2017), Israel Endorsed Kurdish Independence. Saladin Would Have Been Proud, in **The New York Times**, available: <https://nyti.ms/2jQnHOt>.
- Liga, Aldo (2017), The "Israel Factor" and the Iraqi-Kurdish Quest for Independence, **Istituto Affari Internazionali**, available: <https://www.iai.it/sites/default/files/iaicom1720.pdf>.
- Minasian S. (2007), The Israeli-Kurdish relations -21st century, **Washington DC**, No 1, p. 15-32.
- Olsen, Robert (1996), An Israeli-Kurdish Conflict? **Kurdistan Report**, No. 24, p. 9.
- Sarita Dwivedi, Sangit (2012), Alliances in International Relation Theor, **International Journal of Social Science & Interdisciplinary Research**, 1 (8): 224-237, available: <http://www.indianresearchjournals.com/pdf/IJSSIR/2012/August/20.pdf>.
- Sasnal, Patrycja (2017), Context and Scenarios after the Referendum on Iraqi Kurdistan's Independence, **PISM Bulletin**, 87 (1027), available: <https://www.ceol.com/search/gray-literature-detail?id=577434>.
- Savasta, Lucrezia (2017), Kurdistan and Israel – A Silent Friendship, **Journal of Asia and Africa Today**, No. 6, 60-64, available: <https://asaf-today.ru/s0321-50750000616-3-1-ru-379/?sl=en>.
- Sommer, Filip (2021), Geopolitics of Iraqi Kurdistan: A Role of External and Internal Actors in Kurdish Issue, Diploma Thesis, **Charles University**, Faculty of Science, available: <https://dspace.cuni.cz/bitstream/handle/20.500.11956/124477/120380052.pdf?sequence=1>.
- Walt, Stephen M (2000), **The Origins of Alliances**, Ithaca N.Y: Cornell university press.
- Wojnarowicz, Michal (2017), Israel and the Kurdish Question, **PISM Bulletin**, 89 (1029), available: https://pism.pl/publications/Israel_and_the_Kurdish_Question.
- Ciprut, Jose V (2017), The Kurds: Neither the Twin of Palestine nor the Clone of Israel, **BESA Center Perspectives**, No. 624,1-4, available: <https://www.jstor.org/stable/resrep04611>